

عنوان مقاله:

نقدی بر انسان شناسی زن گرا در ادبیات با تاکید بر عاملیت و برابری زن در اسلام

محل انتشار:

مجله انسان پژوهی دینی، دوره 18، شماره 46 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

رویا حسینی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران

ابولقاسم امیراحمدی - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران

علی عشقی سردهی - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران

خلاصه مقاله:

یکی از پدیده های مرتبط با انسان که در هستی شناسی و معرفت شناسی متأثر از رویکردهای انسان شناسی بوده است، جایگاه زن است. در این میان، ادبیات ابزار مناسبی برای بیان هستی شناسی و معرفت شناسی جایگاه زن در ساحت های فردی و اجتماعی بوده است. از این رو، تحقیق حاضر تلاشی است تا با اتخاذ یک رویکرد کیفی و روش سندپژوهی، زن گرایی و مبانی انسان شناسی آن در جوامع اسلامی معاصر را مورد نقد و بررسی قرار دهد. نوشتار حاضر ضمن تبیین رابطه ادبیات و انسان شناسی، نشان داد که ادبیات کشورهای مسلمان از دهه شصت قرن نوزدهم تاکنون، به دلیل تأثیرپذیری از فضای استعماری و پسااستعماری در تبیین نگاه اسلامی در عاملیت زن در ساحت اجتماعی و فردی و برابری و آزادی زن، ناموفق بوده اند. همچنین مرور انتقادی دوره های انسان-شناختی در ادبیات این سده نشان داد که این رویکردهای انسان شناسی به دلیل اتخاذ نگاه مرد محور، دارای نقص روش شناختی و به دلیل تبعیت از فمینیسم، تعهدات سیاسی و مارکسیسم انتقادی و همچنین اتخاذ راهبرد پراگماتیک متمایل به سکولاریسم در خلق آثار، دارای نقص معرفت شناختی هستند که در برخی مواقع به صورت رادیکال در تضاد با اسلام قرار می گیرد. در پایان ضمن اشاره به نقشی جنبش ها مانند انقلاب اسلامی ایران در احیای رنال اسلامی، دیدگاه اسلام در مورد عاملیت زن و برابری طلبی تبیین شده است.

کلمات کلیدی:

زن گرایی، ادبیات، اسلام، انسان شناسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2038061>

